

Historical sociology of the role of Ayyaran in the socio- political history of Iran

Omran Ghasemi

Department of History of Islamic Civilization and Nations, Khoy.C., Islamic Azad University, SKhoy, Iran.
E- mail: 1372141251@iaau.ir

Davoud Esfahanian

Professor of Department of History, Shab.C., Islamic Azad University, Shabestar, Iran. (Corresponding Author). E- mail: 1378632249@iaau.ir

Mahbob Mahdavin

Associate Professor of Department of History, Khoy.C., Islamic Azad University, Khoy, Iran.

Masoumeh Qareh Daghi

Assistant Professor, Department of History, Shab.C., Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

Ayars were a group of brave and fearless young men who had an active presence in the society in times of unrest and disorder and faced the society and the government and defended the weak. The purpose of this article is to study the historical sociology of Ayyaran's role in the socio-political history of Iran. The research method was descriptive-analytical documents. The results of this research show that, in the second century of Hijri, Ayrans were among the influential groups in the political developments of Iranian society. Their nature was populist and they often came from the most deprived social strata and were adorned with virtues such as heart, courage, skill and art. Their growth and persistence were in the critical periods of the communities and manifested as a reaction against political and social disturbances. They relied on moral grounds, and their campaigns were often focused on repelling and eliminating riots. They were supported by the toilers and the poor of their community. Their activities had obvious and hidden practical aspects, and sometimes they rose up in groups and sometimes they acted individually.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS. THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Ayaran, Socio- Political History, Iran, Sociology.*

جامعه‌شناسی تاریخی نقش عیاران در تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران:

قرون دوم و سوم هجری در سرزمین‌های خراسان و سیستان

عمران قاسمی^۱

داود اصفهانیان^۲

محبوب مهدویان^۳

معصومه قره‌داغی^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۴/۴/۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۳/۱۱

چکیده

عیاران، گروهی از جوانمردان شجاع و بیباک بودند که در مواقع ناآرامی و نابسامانی در جامعه حضوری فعال داشته و رویاروی جامعه و دولت قرار می‌گرفتند و به دفاع از ضعفا می‌پرداختند. هدف این نوشتار، مطالعه جامعه‌شناسی تاریخی نقش عیاران در تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران: قرون دوم و سوم هجری در سرزمین‌های خراسان و سیستان می‌باشد. روش پژوهش، اسنادی به شیوه توصیفی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در قرن دوم هجری عیاران از جمله گروه‌های تأثیرگذار در تحولات سیاسی جامعه ایران بودند. طبیعت آنان مردم‌گرا بود و غالباً از میان محروم‌ترین قشرهای اجتماعی بر می‌خاستند و آراسته به فضیلت‌هایی چون دل و جرأت، مهارت و هنر بودند. رشد و پای‌گیری آنان در دوره‌های بحرانی اجتماعات بود و به صورت عکس‌العملی در برابر نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی جلوه می‌کرد. بر زمینه‌های اخلاقی تکیه داشتند و مبارزات آنان اغلب بر مدار دفع بیداد و رفع بیدادگری بود. آنان مورد حمایت قاطبه زحمتکشان و فقیران جامعه خود بودند. فعالیت‌های آنان جنبه‌های عملی آشکار و پنهان داشت و گاه به صورت دسته جمعی قیام می‌کردند و گاهی نیز به صورت فردی اقدام می‌کردند. واژگان کلیدی: عیاران، قرون دوم و سوم هجری، سرزمین‌های خراسان و سیستان، جامعه‌شناسی.

E- mail: 1372141251@iau.ir

۱. گروه تاریخ تمدن و ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

E- mail: 1378632249@iau.ir

۲. استاد گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران (نویسنده مسئول).

۳. دانشیار گروه تاریخ، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

۴. استادیار، گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

مقدمه

خراسان به شهادت منابع تاریخی و به خصوص قصه‌ها و روایت‌های نقالی مانند ابومسلم‌نامه، داستان سمک عیار، و حمزه‌نامه، کانون جنگاوری و جوانمردی عیاران بوده است. در سرزمین‌های اسلامی از جمله خراسان، همیشه گروهی با ماهیت نظامی آماده‌ارائه خدمات جنگی به کسانی که به آن نیاز داشتند بودند. البته در این میان باید از گروهی دیگر یاد کرد که با راهزنی و غارت کاروان‌ها سختی‌های زندگی را پشت سر می‌گذاشتند. هم‌چنین برخی از نظامیان سرکش با سرهنگان و بزرگانی که علیه حاکم سر به شورش می‌گذاشتند و گروهی را به دور خود جمع می‌کردند نیز عیار خوانده شده‌اند. مثلاً، شورش رافع بن لیث، نوۀ نصر بن سیار، که از وجوه و معارف پهلوانان خراسان بود و در شمار فرماندهان هارون الرشید قرار داشت. این شورش در زمان خلافت مأمون روی داد.

از آن جا که حکمرانان خراسان در بیشتر ادوار تاریخی بر این سرزمین نظارت و تسلط داشته‌اند، حفظ امنیت سیستان برای خراسانیان دغدغه‌ای اساسی به شمار می‌رفته است. حضور طولانی خوارج در این سرزمین و نیز مجاورت آن با هند، که قلمرو کفار به حساب می‌آمد، زمینه فعالیت عیاران را در آن فراهم کرد (۲۸۷: ۱۳). منابع تاریخی در اطلاق الفاظی چون عیاران، فتیان، و مطّوعه و از این قبیل به گروه‌های جنگجو در این منطقه دقت زیادی از خود نشان نداده‌اند. از منابع چنین بر می‌آید که این گروه‌ها از چند ویژگی برخوردار بوده‌اند که می‌توان از شجاعت، سخاوت، ناموس‌پرستی، و در عین حال راهزنی و دزدی یاد کرد (۹۸: ۱۰). مثلاً، در زین‌الخبار یعقوب لیث فردی مجهول، سخاوتمند، هوشیار، و دزد معرفی شده است که از سرهنگان یعنی فرمانده عیاران بود. این گروه‌ها در فعالیت‌های متعددی دخالت داشتند که از جمله می‌توان به جنگ با کفار، جنگ با خوارج، راه‌داری، انجام دادن فعالیت‌های مربوط به شرطه، حفظ نظم و امنیت در کنار مقام‌های رسمی و حفاظت از کاروان‌های حجاج و از این قبیل یاد کرد. آن‌ها در برابر خدماتی که ارائه می‌دادند پاداش دریافت می‌کردند مثلاً، از کاروان‌ها برای به سلامت رساندن آنان به مقصد باج می‌گرفتند و از این طریق معاش خود را می‌گذراندند. داستان زندگی ابومسلم خراسانی آن گونه که در منابع تاریخی و داستان‌های عامیانه نقل شده است دلیلی برای اثبات این مدعاست. مردم خراسان در روایات مربوط به ابومسلم سیمای یک جوانمرد ایرانی را می‌شناختند. نه تنها عامۀ مردم بلکه عیاران و اهل فتوت نیز شخصیت ابومسلم را نمونه یک جوانمرد واقعی می‌دانستند و این تصور البته محدود به قرن دوم یا حتی سوم نبود بلکه ادامه یافت. ابومسلم حتی در آئین فتوت ناصرالدین الله نیز یکی از چهره‌های اصلی است. ابن‌معمار حنبلی، که فتوت نامه‌اش تلاشی برای حمایت از اقدامات ناصر خلیفۀ عباسی است، ابومسلم و چند ایرانی دیگر از قبیل ملک کالیجار بن بردویل، روزبه فارسی (ابن مقفع)، بهرام دیلمی، و سلمان فارسی را به منزله سلسله نسب اهل فتوت ذکر کرده است. به نظر می‌رسد اخبار ابومسلم صاحب‌الدعوة حتی در زمان غزنویان هم برای دولت‌مردان و توده‌های مردم شنیدنی بوده است. ابومسلم در فتوت‌نامه‌ها، که البته بازتاب افکار و عقاید صوفیان است، نیز مرتبۀ رفیع و مهمی به خود اختصاص داده است. در بیشتر این آثار،

ابومسلم خراسانی در مرتبه فروتری نسبت به حضرت ابراهیم قرار داده شده است و به تقلید از بت‌شکنی این پیامبر همیشه تبری در اختیار دارد (۳۸۷: ۱۶). حتی او را کمر بسته حضرت علی (ع) دانسته‌اند. پیشه‌وران و صاحبان مشاغلی که وابسته به آئین فتوت بودند نیز ابومسلم را از خود و حتی او را پیشوای خود می‌دانستند. در ابومسلم نامه طرسوسی، ابومسلم در میان گروهی از ارباب صنعت و پیشه‌وران قرار دارد که از او تبعیت می‌کنند این صنعتگران ویژگی‌های جوانمردان و فتيان را دارند و گاه عیار و گاه اخی خوانده می‌شوند (۱۵: ۴۹)، به پیوستگی صنعتگران و ارباب حرف با ابومسلم به صراحت اشاره شده است به گونه‌ای که به دلیل فرونی این عده در سپاهیان سردار خراسانی لشکر وی به تمسخر سراجان یاد شده‌اند. جامعه‌شناسی تاریخی نقش عیاران در تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران از آن جهت حائز اهمیت است که سرزمین خراسان یکی از مراکز فعالیت عیاران و جوانمردان بوده است و به همین جهت ریشه بسیاری از تحولات سرزمین خراسان و به خصوص شهر مرو عرصه فعالیت عیاران و جوانمردان بود. هم‌چنین در قرون نخستین هجری قمری، سرزمین سیستان، یکی از مناطق و نواحی ناآرام به حساب می‌آمد. هدف این بررسی، توصیف نقش عیاران در تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران به ویژه در قرون دوم و سوم هجری در سرزمین‌های خراسان و سیستان می‌باشد.

معنا و مفهوم عیاری

در فرهنگ لغت معین، معانی مختلفی برای عیار ذکر گردیده است: تندرو، سریع‌السير و تردست و زیرک و همین فرهنگ راجع به عیاران چنین بیان شده: عیاران یا جوانمردان یا فتيان طبقه‌ای از طبقات اجتماعی ایران را تشکیل می‌دادند متشکل از مردم جلد و هوشیار از طبقه عوام‌الناس که رسوم و آداب و تشکیلاتی خاص داشته‌اند و در هنگامه‌ها و جنگ‌ها خودنمایی می‌کرده‌اند. این گروه بیشتر دسته‌هایی تشکیل می‌داده‌اند و گاهی به یاری امرا با دسته‌های مخالف آنان بر می‌خاسته‌اند و در زمره لشکریان ایشان می‌جنگیدند. در عهد بنی‌عباس شمار عیاران در بغداد و سیستان و خراسان بسیار گردید. معمولاً دسته‌های عیاران، پیشوایان و رئیسانی داشتند که مؤلف کتاب تاریخ سیستان آنان را سرهنگ می‌نامیدند. عیاران مردمی جنگجو و شجاع و جوانمرد و ضعیف‌نواز بودند. عیاران سیستان در اغلب موارد با مخالفان حکومت عباسی همدست می‌شدند و جزو سپاهیان آنان در می‌آمدند. عیاران جوانمردی پیشه داشتند و به صفات عالی راز نگهداری و دستگیری بیچارگان و یاری درماندگان و امانت‌داری و وفای به عهد آراسته و در چالاکی و حيله نام‌بردار بودند. پیدایش عیاران زائیده وضعیت نامطلوب آن دوره بود. وجود افرادی که برای کمک به افراد تهیدست و فرودست جامعه دست به راهزنی می‌زدند تا بتوانند مشکلات مردم عامه را برطرف کرده و کمی از فلاکت و فقر موجود و آلام تهیدستان را بهبود بخشند. اما علت وجود گروه عیاران در سیستان را باز باید وضعیت اسفناک این منطقه دانست. سیستان به علت دور بودن از مرکز خلافت عباسی نظارت کافی بر عملکرد حاکمان محلی وجود نداشت و حاکمان محلی هر گونه که می‌خواستند حکمرانی می‌کردند. میزان خراج‌هایی

که از مردم گرفته می‌شد بیش از میزان درخواست مرکز خلافت بود و روز به روز ظلم و تعدی بر مردم بیشتر می‌گردید، اما آن چه باعث گردید که عیاران آشکارا به مخالفت با حاکمان خلیفه بپردازند موضوعی بسیار تأسف برانگیز بود و آن این که حاکم و والی سیستان متوجه می‌شود که آن چه مأموران مالیات به ضرب زور و تازیانه از مردم دریافت کرده کمتر از مالیات سنوات قبل است. لذا سعی می‌کند برای جلب رضایت خلیفه امر می‌کند تا از کسانی که قادر به پرداخت جزیه و خراج نیستند دختران جوان‌شان را به جای مالیات و خراج بگیرند و این خفت و خواری باعث گردید که گروه عیاران به رهبری یعقوب شکل گیرد البته قبل از این عامل این گروه وجود داشت و مقداری از آن چه به دست می‌آوردند را به تهیدستان عرضه می‌کردند (۱: ۲۳).

عیاران که بیشتر افراد آن از طبقه افراد عامه جامعه تشکیل می‌گردید برای اجرای نقشه‌های از آداب و رسوم خاصی پیروی می‌کردند، رهبران و مدیران خود را سرهنگ نامیده و از ضعفا و بینوایان حمایت می‌کردند. اغلب در جنبش‌هایی که علیه خلافت صورت می‌گرفت شرکت می‌کردند. یعقوب لیث مؤسس سلسله صفاری نیز یکی از عیاران بود که در ابتدا با صالح بن نصر که علیه عمال طاهری دست به قیام زده بود همکاری می‌کرد. یعقوب لیث در سایه شجاعت و کاردانی توانست افراد زیادی را با خود همراه سازد و به مقام سرهنگی برسد و در نتیجه همکاری با صالح بن نصر کارش رونق گرفت و به زودی طرفداران زیادی به دست آورد و با عمار خارجی جنگید و او را از میان برداشت و به علت اقدامان صالح بن نصر از جمله ظلم و ستم او و غارت شهرها با او به مخالفت برخاست و در جنگی که با او داشت توانست او را از میان بردارد.

پیشه عیاری در عهد اسلامی رونق پیدا کرد و بعدها با تصوف در هم آمیخت و به تدریج حزبی به نام فتوت یا جوانمردان به وجود آورد. اساس و خط‌مشی اجتماعی عیاران و ساکنان ایران و مملوکان عرب که همه از مردم فقیر جامعه بودند این بود که حقوق خود را از بیت‌المال اسلام دریافت کرده و در زمان جهاد، تهاجم دشمنان و دزدان به وظیفه دینی خود عمل کرده و از منطقه خود محافظت نمایند و اگر دولت در پرداخت حق آنان ظلم روا دارد و یا خلیفه ظالم باشد آنان این حق را برای خود قائل بودند که حق خود را از مردم ثروت‌مند طلب کنند و یا بر سر راه کاروان‌هایی که جنس و یا مالیات و خراج را به مرکز خلافت می‌رساندند کمین کرده و حق خود را مطالبه می‌کردند. اغلب با حکام ستم پیشه مقابله کرده و به نفع مردم آن‌ها را مجازات می‌کردند. عیاران برای خود مرام‌نامه‌ای داشتند و باید اصول این مرام‌نامه را اجرا کرده و به آن پای‌بند می‌بودند: جوانمردی، راستی، ستاری، مروت، امانت‌داری، وفای به عهد و حق کمک (۱: ۳۷). با نگاه اجمالی به مرام‌نامه عیاران متوجه می‌شویم که این نهضت به چه میزان به انصاف و عد و امانت‌داری و حقوق ستمدیدگان پای‌بند بوده و گر چه آنان را راهزن قلمداد می‌کنند ولی باید دانست مشکلات عصر موجود باعث گردیده بود تا عده‌ای برای احقاق حق مردم ستمدیده دست به کار شوند و کمی از مشکلات آن‌ها را بکاهند و اجازه تعدی و دست‌درازی به ستمدیدگان داده نشود.

فتوت

واژه عربی فتی که جمع آن فتیان است و لغت فارسی آن جوانمردی و معادل فارسی فتی جوان و معادل لاتینی آن جوونیس است (۵: ۳). جوانمردی معادل فارسی فتوت است. همان جوانی است و مفهوم دقیق لغوی آن دوره جوانی از حیث جسمانی است اما معنای مجازی آن سالک یا زاهد معنوی است که حقیقت باطنی انسان را درک کرده و در نتیجه به مرحله جوانی جاودانه روح نائل گردیده باشد. جوانی از لحاظ جسمانی به معنی رسیدن به کمال ظاهری و جسمانی و انسان و از لحاظ معنوی به مفهوم شکوفایی کامل خصلت‌ها و نیروهای درونی اوست. به جوان فتی یا جوانمرد و در زبان فرانسه شوالیه می‌گویند. فتوت ظاهراً از کلمه فتی عربی گرفته شده است. اخوت از کلمه اخ (برادر) و فتی به معنی جوان که در ترجمه‌های کهن قرآن کریم هم آمده است. فتیان / فثیه به صورت جمعی آمده است. به تدریج در کلمه جوان مفهوم دلیری و بخشندگی هم دمیده شده است و از زبان پیامبر اکرم (ص) در حق حضرت علی (ع) نقل شده که لافتی الا علی که تمامی نیکی‌های معنوی و تمام زمینه‌های دلیری به این کلمه گره خورده است و به تدریج برای دارندگان این عنوان سال به سال و با تنوع جغرافیایی ایران و جهان اسلامی صفات و امتیازاتی در نظر گرفته شده است.

فتوت از دو جنبه قابل بررسی است یکی از جنبه عرفانی که با ریاضت، تهذیب نفس، جوانمردی و مخالفت با نفس، همراه و قرین است که در متون به توصیه‌ها و سخنانی که شرط فتوت و جوانمردی است، اشاره شده است (۵). اموری هم‌چون وفا، راستی، امانت، تواضع به هنگام دولت، احسان بی‌منت در فقر و حتی انتخاب پیشه نیز از شرایط فتوت خوانده شده است. اما از منظر تاریخی یعنی بررسی فتوت از جنبه فرقه‌ها و نحله‌های تاریخی، برخی اندیشمندان در بررسی جریان فتوت به عنوان یک نحله تاریخی اجتماعی عقیده دارند که چهار گرایش فکری و جریان اجتماعی در سده سوم ه.ق وجود داشته که حلقه وصل آن‌ها، گرایش به زهد و عرفان بوده است که عبارتند از مذهب کرامیه (به رهبری محمدبن کرام، متوفی ۸۶۹ / ۲۵۵)، مذهب ملامتیه (به رهبری حمدون بن قصار، متوفی ۸۸۴ / ۲۷۱)، مذهب صوفیه (به رهبری بایزید بسطامی، متوفی ۸۷۵ / ۲۶۱)، مذهب اصحاب فتوت (به سرکردگی نوح عیار نیشابوری، نیمه دوم سده نهم / سوم). (۱: ۳۴۱). هر یک از این جریان‌های عرفانی بر جنبه‌ای خاص تأکید داشته‌اند از جمله این که کرامیه در عین رعایت زهد از آرا سیاسی برخوردار بوده و یا ملامتیه بر زهدی جدای از ریا و زهد فروشی، صوفیه بر زهدی آمیخته از ملامت و عشق و اصحاب فتوت به زهدی آمیخته با مردم‌داری، از خود گذشتگی و احسان به خلق تأکید ورزیده‌اند و از اصول مشترک همه آن جریان‌ها، اعتقاد به نوعی زهد و تصوف و رعایت اصول فتوت و جوانمردی بوده است. فتیان و جوانمردان و به طور کلی آئین فتوت خصلت اجتماعی و شهری داشته است و در قالب «تعصبات مدنی و شهری» از آن یاد کرده است. ظهور فتیان در آغاز سده چهارم قمری بوده است و فتیان در آن وقت به عیاران، سرگردانان یا یاغیان شهرت داشته‌اند. اصول جوانمردی در سده پنجم قمری تکوین یافته و آثار آن در تالیف‌هایی که پیوندگاه فتوت و تصوف هستند

دیده می‌شود. در گذشته پهلوانان و سپاهیان عیارانی بودند که بعدها خود را جوانمردان نامیده‌اند. باید قبول کرد که جوانمردان تغییر ماهیت داده و شوالیه‌گری نظامی به شوالیه‌گری عرفانی و جوانمردی تبدیل یافته است. گذار از حماسه پهلوانی به حماسه عرفانی از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی است (۵: ۶). واکنش‌های اجتماعی راهزنی و عیاری نهضت‌هایی عیاری بودند که در دوره خلفای عباسی و امیران طاهری در شرق ایران پدید آمدند و سر منشاء حوادثی عظیم و پیدایش شهسواران و سلاطینی هم‌چون حمزه بن آذرک و احمد بن عبدالله خجستانی و دودمان شاهانی مانند سامانیان و صفاریان شدند. سپس به مثابه یک ارزش ثابت اجتماعی باقی ماندند و در هر دوره به شکلی خودنمایی کردند. رواج پدیده راهزنی و عیاری بعد از اسلام، نشانه ستم ملی و طبقاتی در دوران خلفا و طاهریان می‌توانست باشد. ارباب عقل سالم، بدون دودلی به تفکر می‌پرداختند و علل نابسامانی‌ها و بیدادها و ستم اجتماعی را کشف کرده به ندای وجدان و حس مسئولیت انسانی، با زبان و جان خویش، به جنگ با آن بر می‌خاستند. صاحبان تن و توان و پرخاشگران ماجراجو، به اتکای زور بازوی خود و بی‌باکی و جنگ‌آزمایی با اعتماد به نفس، به پیکار روی می‌آوردند و برای پیدا کردن متحدانی پی یار رفته و عیار می‌شدند. از این گروه آنانی که روح انسانی داشتند از ستم‌دیدگان و هم‌نوعان خود نگسسته به ارباب عقل می‌پیوستند و با آرمان‌های انسانی آنان هماهنگ و همراه می‌گشتند. ولی آنانی که تابع غرایز حیوانی و بنده شکم و تن خود بودند اگر کورکورانه از دنبال حق‌طلبان کشیده نمی‌شدند به خدمت عاملین سیه‌روزی هم‌نوعان خود در می‌آمدند و با مردم ستم دیده جنگ می‌کردند.

چون هدف عمده عیاران از مبارزه با اشراف و فئودال‌ها و ثروتمندان گرفتن داد ستم‌دیدگان و غارت شدگان و بینوایان بود، از این نظر آیین و مرامی هم داشتند که آن را جوانمردی و به عربی فتوت می‌گفتند. فتی را اعراب قدیم به شخصی اطلاق می‌کردند که به منتهای انسانیت و حد کمال رسیده بود و این دو فضیلت را اعراب قدیم نشان «فتی» می‌دانستند. مهمان‌نوازی و سخاوت و دیگری شجاعت. بعداً سخاوت و شجاعت دو رکن عمده فتوت بود. مهمان‌نوازی به حد کمال می‌رسید تا جائی که مقروض و فقیر می‌شد و در جنگ هم، در فدا کردن جان خود را برای دوستانش فدا می‌کرد. بهترین مثال برای مهمان‌نوازی و سخاوت یک فتی، شخصیت مشهور عرب حاتم طائی است که بزرگواری و مهمان‌داری او به صورت مثل سائر در آمده و لطیفه‌هایی در آن باره نوشته شده حد و حصری نداشت. بهترین مثال جنگجویی برای یک فتی حقیقی علی بن ابی طالب پسر عم و داماد و جانشین پیامبر اکرم (ص) است. در کتاب تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان اهالی شهرها را در دوره‌های اول اسلامی به دو گروه تقسیم می‌کند، نخست صنعتگران و بازرگانان و پیشه‌وران و دوم مردمی که با دزدی و جیب‌بری و چاقوکشی زندگی می‌کردند. زعران بیروت را نمونه کوچکی از عیاران آن روز بغداد می‌داند چون عیاران بغداد به چند دسته تقسیم می‌شدند از این قرار عیاران، شطاران، زواقیل، صعلیک و غیره.

پیوستگی فتوت با تصوف

فتوت و جوانمردی در تاریخ تکوین خود قبل از اسلام تا قرون میانه تحولاتی را پشت سر گذاشته و در طول تمدن اسلامی چندی با مفاهیم و مسائلی هم‌چون عیاری، راهزنی، گرایش به نوعی آداب و اخلاق عمومی و همگانی، رویکردی پهلوان مسلکانه به همراه شور جوانی و گاه آمیخته با رفتاری نابخردانه همراه شد. به طوری که به خاستگاهی اجتماعی برای حق‌خواهی‌های توده مردم و ضعیفان در برابر ظالمان و استیلا بیگانگان و طبقه و صنفی با روحیه نظامی و جوانمردی تبدیل گشت. بعدها این جنبش با مفاهیم اخلاقی و عرفانی آمیخته شد و شکلی منسجم‌تر و آگاهانه‌تر به خود گرفت، به طوری که به تدوین اصول و هنجارهایی اخلاقی و دینی در میان اصناف و گروه‌ها منجر شد که به منزله آیین‌نامه‌ها و مرام‌نامه‌های اخلاقی یا فتوت‌نامه‌ها تلقی می‌شدند. اما آن چه که در همه دوره‌ها و اعصار و در مراحل تطور و تکامل آن به عنوان عنصر و ویژگی مشترک شناخته شده است، همراهی آن با صفات اخلاقی و انسانی بود که در بعضی از دوره‌های حیاتش نیز از سطح اخلاق هم فراتر رفته و با مراحل سلوک، تهذیب نفس و عرفان پیوند خورد و به درجات معنوی شریعت، طریقت و حقیقت مرتبط گشت. صوفیان به خصوص در نیشابور، به منزله زاهدان صاحب کرامت و برخوردار از عنایت الهی در دل مردم نفوذ و اعتبار شایانی به دست آورده بودند. آنان نیز مانند کرامیان زهدورزی را تا آن جا پیش بردند که به تصور برخی افراد کار آن‌ها به زهدفروشی شبیه بود. بیشتر صوفیان پیروان سرسخت و متعصبی داشتند و حتی حکمرانان و وابستگان ایشان، خود را علاقه‌مند و گاه شیفته آنان نشان می‌دادند. این وضعیت برخی صوفیان و حتی زهاد را به فکر انداخت تا راهی برای مقابله با آن چه گسترش ریا و تزویر می‌پنداشتند، پیدا کنند، یکی از این گروه‌ها ملامتیه بودند (۱۰۶: ۱۰). این دغدغه در فتوت‌نامه‌هایی هم‌چون فتوت‌نامه شهاب‌الدین عمر سهروردی، شمس‌الدین آملی، عبدالرزاق کاشانی و نجم‌الدین زرکوب تبریزی و امثال آن دیده می‌شود، در فتوت‌نامه‌ها به بیان اصول و دستورالعمل‌هایی پرداخته شده که برای وصول سالکان و رهروان به فتوت و جوانمردی الزام است. در واقع بزرگان اهل فتوت برای آموزش اخلاقی پیروان و مریدان خود، رساله‌ها و کتاب‌هایی را درباره شیوه و روش جوانمردی می‌نوشتند و آن‌ها را فتوت‌نامه می‌نامیدند. پیشه‌ها در تاریخ فرهنگ اسلامی، بنیاد اخلاق و عرفان تلقی گشت و فتوت‌نامه‌ها به منزله راز و رمزهای اخلاقی در پیشه‌ها و هنرها مطرح شد یا به تعبیری حرفه و کار نیز به سبب نگرش معنوی کارگر، ماهیت قدسی و مقدس پیدا نمود، از جمله وجوه مشترک فتوت‌نامه‌ها، وجود رمز و نماد در آن‌هاست، رازآموزی در سنت شرقی، شغل و امور عادی زندگی را بنیاد و بستره خویش قرار می‌دهد تا متجلی گردد، به طوری که در مراحل انجام کار در هر یک از مشاغل و حرفه‌ها با سخنانی عرفانی و تأویلی مواجه هستیم که نسبت به امور ظاهری آن شغل ارائه می‌شود. بدیع‌الزمان فروزان‌فر فتوت را در لغت به معنی جوانی و جوانمردی یعنی مجموع مردی و مردمی می‌داند که یکی از مقامات عارفین و مراحل طریقت و تصوف است و در اصطلاح این طائفه اسم است برای مقام دلی که از صفات نفسانی صاف شده باشد و آن را بر سه درجه کرده اند. در قرن ششم طریقه‌ای مستقل و

دارای ارکان و تشکیلات جداگانه بوده که با تصوف تفاوت داشت و در حقیقت طریقه عیاران که در اواخر قرن دوم وجود داشته و اصول و روش مخصوص در زندگانی داشته‌اند با اصول تصوف آمیخته و فتوت به وجود آمده است. در طریق تصوف به شیخ حاجت است در روش فتوت هم اخی جانشین شیخ و قطب می‌باشد. به جای خرقة که شعار صوفیان است فتیان سراویل (زیرجامه) را شعار خود کرده و کمر بسته مشخصی که او را پیر شد (کمر بستن) می‌خوانند بوده‌اند. در تصوف همت سالک به ریاضات نفسانی مشغول است و در برابر آن فتیان و جوانمردان در ورزش‌های بدنی چون تیراندازی و شمشیربازی و کشتی گرفتن و استعمال گرز کوشا بوده‌اند. مهمان‌داری و خدمت به دوستان و پاسبانی رعیت و اهل محل کار عمده فتیان است. رئیس این طایفه را اخی می‌گفته‌اند و هر کسی که اهل فتوت بر روی آن اتفاق می‌کردند می‌توانست بدین مرتبه برسد و موظف بود که زاویه‌ای ساخته و لوازم آن از چراغ و فرش و ... را فراهم کند. در آن زمان دو گروه از مردمان تن به خواری و ننگ نمی‌دادند. یک گروه آنان که عقل سالم داشتند، دیگر آنان که به تن سالم و پر تحرک و نیرومند بودند. آیین فتوت بعدها به دلایل فراوان به دو شاخه تقسیم شد و به مرور زمان وجوه اشتراک و شباهت آن‌ها کم گردید و بر جنبه‌های افتراق آن‌ها افزوده گشت. افشاری معتقد است گروهی سپاهی و عیارپیشه بوده‌اند و گروهی دیگر اهل حرفه و زهدپیشه. گروه نخست «سیفی» (اهل شمشیر) و گروه دوم «قولی» نامیده شده‌اند (۹: ۶۲).

در آموزه‌های اسلامی شمشیر با معنویات توأمان بوده است. هجویری در کشف المحجوب از شمشیر همراه با علم و فقر به عنوان میراثی از حضرت پیامبر (ص) یاد کرده است: یکی از مدعیان علم درویشی را گفت: «این کبود چرا پوشیدی؟» گفت: «از پیامبر (ع) سه چیز بماند: یکی فقر و دیگر علم و سه دیگر شمشیر، شمشیر را سلطانان یافتند و نه در جای آن به کار بستند، و علم، علما اختیار کردند و به آموختن تنها بسنده کردند و فقر را فقرا اختیار کردند و آن را آلت غنا ساختند. من بر مصیبت این سه گروه کبود پوشیده‌ام (۷: ۹۵). شاخه «سیفی» فتوت به احتمال قریب به یقین به صورت عیاران و شطاران نمود پیدا کرده است که به مرور زمان بعضی از اعمال از جمله راهزنی هر چند در باطن برای نیت‌های انسانی و اخلاقی صورت می‌گرفت آن‌ها را از شاخه «قولی» که به صورت عرفان و تصوف نمایان شده جدا کرد. کسانی که در سلک فتوت (شاخه قولی) در آمده‌اند، به نوعی متمایل به عرفان و تصوف شده و هم مسلک و هم لباس آنان شده‌اند. چنان که واعظ کاشفی در مقدمه فتوت‌نامه سلطانی علم فتوت را شعبه‌ای از علم تصوف خوانده است (۱۱: ۵۸). بعضی‌ها نیز فتیان را گروهی از شیعیان غالی کوفه دانسته‌اند. در بعضی از کتاب‌های عرفانی نیز فتوت را یکی از منازل یا مقامات عرفان دانسته‌اند. مثلاً در کتاب صد میدان خواجه عبدالله انصاری میدان (منزل) چهارم از صد میدان میدان فتوت است (۲: ۹۸). ارباب فتوت که در آغاز در خراسان گرد آمده بودند، بغداد را مرکز خود قرار دادند. سپاهیان غیرمنظم که عیار خوانده می‌شدند به فتوت در آمدند. گفته‌اند که جوانمردان یا اهل فتوت طبقه تربیت یافته و عیاران طبقه عوام این قوم بوده‌اند (۱۴: ۵). پایه و اساس تصوف را بر اصول عیاری نهاده‌اند. در واقع عیاری صورت مادی و جسمانی صفا و عرفان

بوده است. جوانمردی جسم و تن آدمیت است و اگر این جسم و تن روح یابد تبدیل به تصوف می‌شود. عیاران، بیش از دیگر گروه‌های اجتماعی، در منابع تاریخی و ادبی به فتوت و جوانمردی معروف و موسوم شده‌اند و اعمال و فعالیت‌های آنان انعکاس یافته است. در اشعار شعرا و داستان‌های ادیبان ایران در دوره‌های مختلف تاریخی اشاره‌ها و حکایات فراوانی دربارهٔ آن‌ها یافت می‌شود که در آن‌ها به جوانمردی، رندی، شجاعت، صیانت از نوامیس مردم، و البته دزدی و راهزنی آن‌ها اشاره شده است. عیاران و صعلیک هم در سنت ایرانی و هم در میان اعراب قبل از اسلام و پس از آن کار ویژگی‌های مشترک فراوانی داشته‌اند و به عنوان مثال در تاریخ سیستان از یعقوب لیث و عیارانی که گرد او جمع شده بودند با عنوان «سالوک» (=صلوک) نام برده شده است. صعلیک قبل از اسلام در عربستان فعالیت داشتند و نماد اخلاق جوانمردی در بین اعراب بودند. عیاران نخستین گروهی بودند که خود را فتيان نامیدند و برخی مورخان از آنان با واژه سالوک (=صلوک) یاد کرده‌اند. صعلیک پس از قتل عثمان و آغاز خلافت علی (ع)، یعنی در برهه‌ای از زمان که اوضاع خراسان آشفته و نابسامان بود، فرستادهٔ حضرت علی (ع) را به قتل رساندند. در سرزمین‌های عربی نیز آئین فتوت نخست با شیوهٔ عیاری و شطاری آغاز شد.

در سال ۲۵۱ هجری قمری در جنگ مستعین و معتز خلفا از عیاران کمک گرفت. اغلب وزراء و بزرگان دولت هم با آن‌ها همدست شده و از غارتگری و خرابکاری آن‌ها سهم می‌بردند. گروه دیگری از جوانمردان به نام پهلوانان پدید آمدند که امتیازشان تبحر در فنون رزمی و زور شگفت‌انگیزشان بود. علاوه بر نام پهلوان با نام‌های دیگری چون مفرد، یتیم، بابا، احداث، جوان و کهنه‌سوار خطاب می‌شدند. ایشان را گاهی خرده پهلوانانی همراهی می‌کرد که نوچه (نوجوان) می‌خواندند. کلوها هم گروهی از جوانمردان بودند که پیشکسوتی و فرماندهی اهل محل زندگی خود را بر عهده داشتند. کلو به معنی بزرگ و مهتر است که از واژه کلان آمده است.

مهرداد بهار و پرویز ناتل خانلری و محمدجعفر محجوب واژه عیاری را دارای قدمتی باستانی می‌دانند. در سنت کهن ایرانی احتمالاً بر شیوه‌ای از زندگی عیارگونه دلالت دارد (۴: ۱۹۲). در زبان پهلوی واژه عیار به معنی «یار، دوست» است و احتمالاً در دوره ساسانیان معنایی شبیه به جوانمرد و عیار در دوره اسلامی داشته است. واژه پهلوی Skoh که به «تنگدست سرکش» معنی شده است و به گروهی از توده مردم اشاره دارد که معترض سخت‌گیری‌ها و نابرابری‌های طبقاتی حکومت ساسانی و روحانیون افراطی و با نفوذ دربار بودند. در زبان پهلوی واژه ایار (Ayyar) به معنی «یار، دوست» است و در زمان ساسانیان معنایی شبیه جوانمرد و عیار در دوره اسلامی داشته است. میره در اوستایی Mairya در پهلوی Merag اصطلاح دیگری است که در اوستا هم آمده است و با نهادی اجتماعی و سازمان یافته پیوند داشته است. برخی محققان عقیده دارند که مئیره در نهادهای آیینی پیش از زرتشت جایگاهی ویژه داشته اما بعد از ظهور زرتشت و مخالفت با او از این نهاد تعبیری منفی شده است (۶: ۷۲). «ویدن گرن» هم در مورد واژه Marika نشان

می‌دهد که این واژه معنایی شبیه به Bandaka داشته و به معنای «خادم، کمر بسته» به کار رفته است. مقایسه دو واژه عربی فتی و حدث به معنی جوان و واژه فارسی جوانمرد با مئیره اوستایی و میرگ پهلوی هم قابل توجه است (۶: ۷۲). گروه «آزادان» و «اسواران» هم همان نقشی را در دوره ساسانی داشتند که عیاران و فتیان دوره اسلامی داشتند. ملاکان خرده پایی بودند، جنگجویان و زمین‌داران کوچکی که در کسوت فرماندهان و امرا و محافظان دربار خدمت می‌کردند. آزادگی آن‌ها در شجاعت و اشتیاق برای کمک به مظلومان خلاصه می‌شد و جوانمردی بر شرافت معنوی و اخلاقی آن‌ها دلالت می‌کرد. هر چند که باید اشاره کرد که در متونی که این واژه‌ها به کار رفته به صراحت به راه و روش عیاری اشاره نشده است. در متن زند یا ترجمه پهلوی بند چهل و یکم از فرگرد سوم و نندیداد از افرادی یاد شده که دزدیدن از توانگران و بخشش به درویشان کاری ثواب دانسته شده است. «اگر از توانگران دزدم و به درویشان دهم همانا کرفه (ثواب) است». این عیاران و جوانمردان مورد قبول موبدان ساسانی نبودند و به همین دلیل آن‌ها را افرادی گناهکار و دوزخی به شمار می‌آوردند. در ارداویراف نامه فصل چهل و پنجم از نیکان دزدیدن و به بدان بخشیدن و اشاره به وجود گروه‌های عیار گونه که به دنبال ستاندن داد مظلومان بودند مطالبی وجود دارد. در روایات حماسی چون سمک عیار قابوسنامه و شاهنامه هم کردار و مرام جمعیت جوانمردان و عیاران آشکار است. صفات عیاران ایران باستان در دوره اشکانی و ساسانی دیده می‌شود و خصوصیتی چون جنگجویی، شجاعت و وفاداری و آزادمنشی در اسواران و آزادان دوره ساسانی در این منابع یادآوری می‌شود (۶: ۷۵).

در اواسط قرن چهارم هجری عیاران و فتیان کوشیدند تا راه و رسم و مسلک خویش را به تکیه‌گاهی دینی متکی سازند و فتوت را بر اصلی دینی نسبت دهند. خواه این اسناد درست باشد و خواه مورد تردید گروهی باشد. همین امر، نفاقی بین بیوت و قبایل و احزاب جوانمردان برانگیخت و آنان برای سرکوب دیگران به فرقه‌ها و گروه‌های متعدد تقسیم شدند. این فتنه و آشوب خطری بزرگ برای دولت عباسی و پادشاهان آل بویه پیش آورد. از این مبارزه جوانمردان و عیاران که با دولت و قدرت حاکمه آن زمان داشتند، در کتب تواریخ اشاراتی بیش نمانده است. مخصوصاً وقتی که فتوت سیمای عیاری و شاطری یافت، یا شاطران و عیاران خود را جوانمرد خواندند (۱۴: ۶).

سیستان در اصل سکستان بوده و سجستان معرب آن است و به تازی سجستان نویسنده که گاف را جیم گردانند. ملک الشعرا بهار کلمه سجزی یا سگری را به کسر اول سجزی - سگری ضبط کرده و گوید ملک سیستان در اصل سکستان است و نام این سرزمین از مردمان سکه که آریایی و شجاع بودند گرفته شده (سک) به معنی شجاع و با وفا می‌باشد. سگ حیوان معروف که به معنی شجاع است. ملک الشعراء بهار اسپهان و سکستان هر دو را به یک معنی دانسته و مفهوم آن مسکن مردم شجاع و یا لشکریان می‌باشد. سیستان از مراکز مهم خوارج و عیاران به شمار می‌رفته است. مردم سیستان از دیر باز گروهی به نام جوانمردان فراهم ساخته و نه تنها دستگیری از ناتوانان را وظیفه خود می‌شمردند بلکه هر جا بیچاره‌ای

را می‌یافتند به یاری او می‌شتافتند. آیین کرم و مروت و مردمی را در همه جا و همه چیز رعایت می‌کردند. دلاوری‌های حمزه پسر آذرک پهلوان معروف سیستانی که او را حمزه خارجی می‌گفتند (۱۲: ۲۲). آئین فتوت و جوانمردی در خراسان منحصر به فعالیت‌های افرادی مانند یعقوب لیث نبود، بلکه در این سرزمین شخصیت‌هایی چون فضیل عیاض (۱۸۷ق) و ابوالحسن خرقانی ۴۲۵ ق و بسیاری دیگر وجود داشتند که، با گرویدن به تصوف، آئین فتوت را جنبه اخلاق بخشیدند. البته تصوف خراسان یک جریان متحد و یک دست نبود، اما صبغه صوفیانه و اخلاقی آن نسبت به دیگر سرزمین‌های اسلامی بیشتر بود (۱۰: ۹۱).

از نوشته‌های منابع چنین بر می‌آید که عیاران از اواسط قرن نهم تا دوازدهم میلادی اهمیت بیشتری یافته‌اند. مواقعی ظاهر می‌شدند که مملکت دچار هرج و مرج می‌گردید. بیشتر در بغداد قیام کردند و حکومت را در دست می‌گرفتند اما چون حکومت‌شان صورت تروریستی به خود می‌گرفت نه تنها اوضاع بهبود نمی‌یافت بلکه اوضاع مملکت را نابسامان‌تر می‌ساخت.

فتیان لباس و تاج‌های مخصوص رنگارنگی داشتند که مجموع آن‌ها را لباس الفتوه می‌گفتند و شلوار مخصوص در نزد آن‌ها بیشتر اهمیت داشته است. شلوار فتوت در پیش آن‌ها به منزله خرقة در نزد صوفیه بوده است. شلوار مختص به آن دسته از اقوام آسیایی است که سوارکاری از جمله آداب و رسوم آن‌ها به شمار می‌رفته است و در زمان هخامنشیان هم متداول بود و اعراب احتیاجی به شلوار نداشتند. فتیان در جلسات عمومی خود از جام فتوت موسوم به کاس الفتوه آبی را که دارای نمک بود می‌نوشیدند (۸: ۳۶). با وجود خشونت‌هایی که داشتند پای‌بند شرافت و حسن اخلاق و ناموس‌پرستی و راستگویی بودند. اینان مخالف حکومت‌های استبدادی بود و سعی می‌کردند که اعمال عمال حکومت را خنثی کنند و حتی آن‌ها را به قتل برسانند. در اختلافات مردم دخالت می‌کردند و محکمه‌های مملکتی را که از سوی علما تأیید شده بود به رسمیت نمی‌شناختند بلکه خود دارای تشکیلات عدلیه بودند بعد از غارت اغنیا وجوه را بین فقرا تقسیم می‌کردند منشاء فتوت را در ایران دوره ساسانی هم جستجو می‌کنند که بعد از حضرت علی، سلمان فارسی مهم‌ترین شخصیت مورد علاقه فتیان بود. عیار و شطار دو کلمه عربی است که اولی کثیرالتردد و دومی به معنی داهی و محیل ضبط شده است و این دو فرقه در اواخر قرن دوم هجری در شهر بغداد به وجود آمده و به تدریج زیاد شده و موقعیتی برای خود کسب کردند. چون کار معینی نداشتند در زمان صلح به زورگویی و ربودن اموال مردم می‌پرداختند و در موقع جنگ به نفع امراء و سرداران جنگ می‌کردند. شطاران عمل‌شان همانند عیاران بوده و گردن‌بندی از انواع مهرها و صدف‌های رنگارنگ به گردن خود می‌بستند. در جنگ بین امین و مأمون عیاران به کمک امین شتافتند در جنگ مستعین و المعز خلفای عباسی در سال ۲۵۱، مستعین از عیاران درخواست کمک کرد. در موقع ضعف خلفای عباسی این افراد ماجراجو فرصت بیشتری پیدا می‌کردند. در قرن پنجم عیاران بر بغداد مسلط شده و از حکومت گرفته و به مردم می‌دادند. ابن طقطقی از جمله پیشوایان عیار بود. شطاران تعدادشان بیشتر از عیاران بود.

اصول اخلاقی عیاری

رازداری: که به این اصل مهم اخلاقی در طی داستان سمک عیار بارها اشاره شده است. راستی: که بایستی عیار راست بگوید اگر زیان و خطری در پیش باشد. یعنی دروغ مصلحت‌آمیز هم نباید گفت.

یاری: درماندگان وظیفه اخلاقی عیاران است که چون کسی به پناه ایشان بیاید و یاری بخواهد او را به جان و دل بپذیرند و در انجام یافتن مقصود او اگر چه دشوار باشد از هیچ کوششی دریغ نورزند. عفت: که از جمله شرایط جوانمردی است تا زمانی که زناشویی انجام نگیرد با دلبر خود نمی‌پیوندند. فداکاری: عیار باید در راه خدمت به یاران تا حد فداکاری پیش برود. بی‌نیازی: عیار اگر چه کریم است و هر چه دارد در راه رسیدن به مقصود خرج می‌کند اما هرگز وابسته جاه و مال نیست.

دوست دوست و دشمن دشمن: برای عیاران شرط است که چون با کسی پیمان دوستی می‌بندند. همه شرایط آن پای‌بند باشند.

برادرخواندگی و خواهرخواندگی: مراعات عفت از شرایط و لوازم جوانمردی و عیاری است. سوگند عیاران: کسی که در صف عیاران پا به خدمت ایشان در می‌آید باید سوگند بخورد که خیانت نکند و نیندیشد و یک دل باشد و با دوست ایشان دوست باشد و با دشمن ایشان دشمن. از انگیزه‌های گرایش به عیاری غیر از ستم کارگزاران دولت و غارت فتودال‌ها و اشراف، باید از خشکسالی‌ها، کمبود مواد غذایی به خاطر این که در قلعه‌ها و انبارهای ثروت‌مندان پنهان و احتکار شده بود، کاهش داد و ستم، تعطیلی کارگاه‌های پیشه‌وری و ستاندن باج و خراج‌های بی‌قاعده یاد کرد (۵: ۱۷۴).

مقام اجتماعی عیاران

سر جوانمردان و عیاران یا استاد منصب اسفهلاری دارد. بازداشت اشخاص و ضبط اموال و مجازات ایشان از جمله وظایف اسفهلار شهر است. یعنی مقام و منصب لشکری و جنگی نیست بلکه بیشتر شغل اداری و کشوری شمرده می‌شود و معادل منصب شهربانی امروز است (۵: ۱۷۵). کتاب قابوس‌نامه تالیف عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس که آخرین باب آن در آیین جوانمرد پیشگی است و به تفصیل در این مورد صحبت شده است در این مورد چنین آمده است: گفته‌اند اصل جوانمردی سه چیز است، یکی آن که هر چه گویی بکنی و دیگر آن که خلاف راستی نگویی، سوم آن که شکیب را کار بندی، زیرا که در صفتی که تعلق دارد به جوانمردی به زیر آن سه چیز است. در شرح جوانمردی عیاران و سپاهیان در قابوس‌نامه آمده است: بدان که جوانمردی عیاری آن بود که او را از آن چند گونه هنر بود، یکی آن که دلیر و مردانه و شکیب بود به هر کاری و صادق‌الوعد و پاک عورت و پاکدل بود و زیان کسی به سود خویش نه کند و زیان خود از دوستان روا دارد و بر اسیران دست نکشد و اسیر و بیچارگان را یاری دهد و بد بدکنان

از نیکان باز دارد. راست شنود و چنان که راستگو و داد از تن خود بدهد و بر آن سفره که نان خورد بد نکند و نیکی را بدی مکافات نکند و از زنان ننگ دارد و بلا راحت ببند، چون نیک بنگری بازگشت این همه هنرها بدان سه چیز است که یاد کردیم.

در قابوس‌نامه از یک سو پهلوانان و ورزشکاران و زورگران و سپاهیان و عیاران خویشتن را جوانمرد می‌خوانند و از سوی دیگر پیشه‌وران و بازاریان آداب و رسوم و دستورهای برای جوانمردی خاص خویش دارند و صوفیان و خانقاه‌نشینان هم در دستگاه خود راه و رسم جوانمردی را مراعات می‌کنند و آن کسی که در رعایت آن آداب کوشاتر باشد در فتوت برتر از دیگران می‌شمارند. پایه مادی و اساس تصوف بر اصول عیاری نهاده شده و در واقع عیاری صورت مادی و به صورت صفا و عرفان بوده است. عیاران نام‌های خاصی داشتند از جمله: شغال پیل زور، سمک عیار، شهرد عیار، شیرزاد عیار، شه‌میر عیار، زیرک عیار، آهوگیر عیار و امثال آن. نامی که حسن‌بن زیدعلوی بر روی یعقوب نهاده و به دلیل ثبات و پافشاری‌های او سندان خوانده از این روی است. لفظ سیستانی و عیار و سجزی و عیار همه با مترادف و همراه می‌آمد. هر ده تن عیار یک سرپرست داشت که عریف نامیده می‌شد و هر ده تن عریف یک نقیب داشت و هر ده نقیب یک سرهنگ و هر ده قائد (سرهنگ) یک امیر. افراد این سازمان‌ها پارچه‌ای سرخ و یا زرد رنگ بر گرد گردن داشته و کمندی در دست و در هر پیشامدی مردانه می‌جنگیدند. بنای کار عیاران بر جوانمردی بود. تهدید ثروت‌مندان و حکام محلی و خنجر بازی و از برج و باروها بالا رفتن که در بسیاری مواقع تحمل این خطرات و مصائب برای مردم بینوا و دفع ظلم از مظلوم بود. از دروغ و دروغگو بیزار بودند و دروغگو را به مجازات‌های سخت محکوم می‌کردند. عیاران مردمی راهزن و خطرناک نبوده بلکه تشکیلات دقیق پنهانی داشته و با گرد آوردن جوانان غیور و فداکار و وفادار از مظالم جلوگیری می‌کردند. محلی که بعدها عیاران در آن بیتوته می‌کردند یتیم‌خانه نامیده می‌شد که از این پس پدر و مادر در زندگی آن‌ها تاثیری نخواهد داشت و یتیم هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

رویکرد و فعالیت‌های اجتماعی عیاران بسیار متنوع بود. تلاش‌های آنان خودجوش و از شوائب تحریک خارجی مبرا بود. رشد و پای‌گیری آنان در دوره‌های بحرانی اجتماعات بود و به صورت عکس‌العملی در برابر ناپسامانی‌ها و آشفته‌گی‌های سیاسی و اجتماعی جلوه می‌کرد. بر زمینه‌های اخلاقی تکیه داشتند و مبارزات آنان اغلب بر مدار دفع بی‌داد و رفع بیدادگری بود. هسته‌های مقاومت بر حول وجود یک فرد قهرمان و مبارز و نترس شکل می‌گرفت و اهداف محلی و منطقه‌ای را تعقیب می‌کرد و بدین طریق شورایی داشتند و مصلحت‌اندیشی‌ها در آن انجام می‌گرفت. آنان مورد حمایت قاطبه زحمتکشان و فقیران جامعه خود بودند. فعالیت‌های آنان جنبه‌های عملی آشکار و پنهان داشت و گاه به صورت دسته‌جمعی قیامی را انجام می‌دادند و گاهی نیز به صورت فردی اقدام می‌کردند. در میان آنان نه شرطه وجود داشت و نه حکومت، اما سوگند

و پیمان پیوستگی‌ها را محکم می‌کرد و روابط را برقرار نگه می‌داشت. عرصهٔ عمل آنان نامحدود بود و در امور کوچک و بزرگ نیز مداخله می‌کردند، یک بار ممکن بود که اسبان حاکم را از ایلخی رم می‌دادند و از این طریق به دارایی او زیان می‌رساندند، گاه نیز سر سرکشی را از تن جدا می‌کردند و عبرت دیگران می‌ساختند، زمانی شاید به قافله‌ای متمکن که در پناه حکومت بود حمله می‌بردند و مال و متاع آن را به غارت می‌گرفتند و خرج مستمندان می‌کردند، روزی نیز پیش می‌آمد که رویاروی با دشمن ملک و ملت به ستیز می‌پرداختند. آنان چون با کسی پیمان دوستی می‌بستند همواره به همه شرایط آن پای‌بند بودند.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Afifi, Abul Ala. (2007). *Malamatiyeh wal Sufiyyah va Ahl al- Futwah*, translated by Mehdi Tadayin.
2. Ansari, Hassan; Abu Sahl. Nobakhti. (1999). *The Great Islamic Encyclopedia*, Volume. 5.
3. Ashtari Tafreshi, Ezzatollah. (1990). *The Ayyar Movement from the Beginning to the Second Pahlavi Dynasty*, Tehran: Avaye Noor Publications.
4. Bahar, Mohammad Taqi. (1997). *History of Sistan*, Padideh Khavar Publications.
5. Corbon, Henry. (2003). *The Cult of Bravery*, translated by Ehsan Naraghi, Tehran: Sokhan Publications.
6. Gashtasb, Farzaneh; Et Al. (2015). *The Effect of the Three Acts of Ancient Iran on the Secrets of the Initiation Ritual of the Ayyar*, Cultural History Studies, Research Paper of the Association Iranian History, Year. 6, Issue. 23.
7. Hajveiri, Abolhasan Ali Ibn Othman. (2005). *The Discovery of Al- Mahjoob*, with an introduction by Mahmoud Abedi, Tehran, Soroush.
8. Hakemi, Esmaeil. (2003). *The Religion of Fatu'at and Chivalry*, Tehran: Asatir Publications.
9. Heidari, Ali and Naser, Dowlatshah. (2012). *Manifestations of Sufism, Fatu'at and Shi'ism in Ancient and Zurkhaneh Sports of Iran*, Bi- Quarterly Journal of Research in Sports Management and Movement Behavior, Year. 2, Issue. 4.
10. Karamipour, Hamid. (2013). *A Study of the Social Dimensions of the Futot Ritual in Khorasan from the Third Century to the Sixth Century*, Social History Research, Institute for Humanities and Cultural Studies, Year. 3, Issue. 1.
11. Kashefi, Hossein. (2004). *The Futot Nameh of Soltani*, edited by Mohammad Jafar Mahjoub, Tehran, Iranian Cultural Foundation.
12. Nafisi, Saeed. (1968). *The Origin of Sufism in Iran*, Tehran: Foroughi Publications.
13. Owfi, Sadid al- Din Mohammad. (2003) *Selected collections of stories and stories from the third part*, edited by Jafar Shaar, Tehran: Scientific and Cultural Publications, 7th edition.
14. Sobhani, Tofigh. (2009). *Malamatian and Fatu'atian*, Journal of Information on Wisdom and Knowledge.
15. Tarsousi, Abu Taher. (2001). *Abu Muslim Nameh*, by the efforts of Hassan Esmaeili, Tehran: Moein Publications, Volume. 1.
16. Vaez Kashfi Sabzevari, Mulla Hossein. (1977). *The Futotnameh of Soltani*, edited by Mohammad Jafar Mahjoob, Tehran, Iranian Culture Foundation.